

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

بررسی آیه شریفه «و قفوههم انهم مسئولون» در اثبات صراط

ششمین آیه، از آیاتی که برای مسئله صراط می توان به آن استدلال کرد آیه 24 از سوره مبارکه صافات است.^[1]

در آیات پیشین و پسین آن چنین آمده؛ «هذا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ»، «احْشُرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَاَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ»، «مَنْ دُونِ اللَّهِ فَاهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ»، «وَقَفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ»، «مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ»، «بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ».

مراد از «فاهدوهم الى صراط الجحيم» در آیه شریفه 23

حالا چرا تعبیر به هدایت در اینجا شده؟

علامه طباطبائی (ره) می فرماید؛ تعبیر به «فاهدوهم» یعنی «ایصالهم إليه و إيقائهم فيه». ایشان «فاهدوهم» را به ایصال کفار به جهنم و واقع ساختن کفار در جهنم، معنا کرده اند.

در مجمع البیان چنین آمده؛ «إنما عبّر عن ذلك بالهداية من حيث كان بدلاً من الهداية إلى الجنة» چون در مورد بهشت خداوند تبارک و تعالی تعبیر به هدایت می کند در مورد جهنم هم تعبیر به هدایت کرده، همان طوری که در مورد بهشت تعبیر به بشارت می کند در جهنم هم می فرماید؛ «فیشترهم بعذاب أليم».^[2]

حالا اصل اینکه هدایت به دو نحو است؛ 1. «أراءة الطريق». 2 «ایصال إلى المطلوب» آیا این مطلب درست است یا نه؟ در تفسیر سوره حمد راجع به آن تحقیق نموده ایم.^[3]

ولی نکته این است که در آیه شریفه می فرماید «فاهدوهم إلى صراط الجحيم» نمی گوید «فاهدوهم إلى الجحيم»؛ در نتیجه آیا معنای لغوی صراط مراد است؛ یعنی سبیل و طریق جحیم؛ اینها را به سمت جهنم و راه جهنم ببرید، یا اینکه احتمال دارد «صراط الجحيم» خودش صراطی در جحیم باشد؛ اگر معنای لغوی مراد باشد، ارتباطی به مدعا پیدا نمی کند و اگر صراط عَلم باشد برای آن قنطره ای که بر روی جهنم و آن جبری که بر روی جهنم است، در این صورت مدعا را اثبات می کند. برای روشن شدن مطلب مذکور مناسب است آیه ای پسین را تفسیر کنیم؛

آیه شریفه می‌فرماید «قفوهم إِنْهُمْ مسئولون»؛ این‌ها را نگه دارید، متوقف کنید، این‌ها مسئول‌اند، باید از این‌ها سؤال شود.

بحثی که در اینجا وجود دارد نظیر همان بحثی است که در آیه شریفه «إِنْ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ» مطرح شد و آنجا بحث شد ضمیر به خصوص تابعین شیطان و یا به همه، بازگشت می‌کند؟ اینجا هم بحث در این است، چون از همه سؤال می‌شود، این قرینه است بر اینکه ضمیر «هم» تمام عباد باشد. از روایات هم چنین مطلبی استفاده می‌شود.

کفار مرجع ضمیر در واژه «قفوهم» از دیدگاه صاحب مجمع البیان

ایشان می‌فرمایند: «قفوا هؤلاء الكفار واحبسوهم عن دخول النار»^[4] قبل از اینکه کفار وارد جهنم شوند این‌ها را متوقف کنید، یعنی بر اساس ظاهر آیه، ضمیر به «احشر الذین ظلموا و ازواجهم و ما كانوا یعبدون» بر می‌گردد.

پس یک بحث در این است که از چه کسانی سؤال می‌شوند؟ بحث دوم؛ از چه چیزی سؤال می‌شوند؟ و بحث سوم؛ کجا این سؤال واقع می‌شود؟

قدر متیقن این است که کفار را نگه می‌دارند و از ایمان به خدا، نبوت و رسالت سؤال می‌شود؛ چون در بعضی از چنین آمده: «عن قول لا اله الا الله» و روایات فراوانی نیز وجود دارد که از ولایت امیر المؤمنین (علیه السلام) سؤال می‌شود. پس حداقلش این است که از ایمان به خدا سؤال می‌شود و به فرموده صاحب مجمع البیان «قبل دخول النار» این‌ها را متوقف می‌کنند، هر چند «فوق النار» و «فوق جهنم» باشد.

بدین سان که قدر متیقن از آیه شریفه، سؤال از کفار در مورد ایمان و کفر باشد، نام آن توقفگاه صراط است. و کسی نگوید آیه لفظ است و لفظ غیر از دلیل لبّی است و قدر متیقن‌گیری مربوط به دلیل لبّی است، این مطلب درستی است، ولی می‌خواهیم بگوئیم به حسب ظاهر آیه، آن مقداری که مراد مسلم خداوند تبارک و تعالی است اینکه از کفار در مورد خدا، ایمان به خدا و رسالت سؤال می‌شود. کجا سؤال می‌شود؟ «قبل دخول النار».

از این رو به نظر می‌رسد به احتمال خیلی قوی مراد از صراط در آیه پیشین «فاهدوهم إلی صراط الجحیم» صراط مورد بحث باشد، «الجحیم» صفت صراط نیست بلکه اضافه شده؛ صراطی که «من الجحیم» است، صراطی که «جزء من الجحیم» است، صراطی که جزئی از جحیم است نه صراط به معنای لغوی تا گفته شود خدا به ملائکه نار می‌فرماید؛ اینها را به سمت جهنم ببرید، اگر به معنای لغوی بود باید خداوند متعال می‌فرمود «فاهدوهم إلی الجحیم»، در حالی که فرموده «إلی صراط الجحیم»، در نتیجه «قفوهم»؛ یعنی در «صراط الجحیم» این‌ها را متوقف می‌کنند تا مورد سؤال واقع شوند.

پس آیه شریفه مذکور تا این مقدار به خوبی بر مدعای ما (که دنبال آن هستیم در قرآن آیه‌ای دالّ بر صراط باشد) دلالت می‌کند حال اگر کسی پافشاری کند بگوید مراد از «صراط الجحیم»، صراط علم در جهنم نیست، پاسخ این است که آیه شریفه «قفوهم إِنْهُمْ مسئولون» را باید چطور معنا کرد؟ کجا اینها را نگه می‌دارند؟ در جهنم نگه می‌دارند یا در قبل از جهنم است؟ صاحب مجمع البیان می‌گوید «واحبسوهم عن دخول النار» یعنی قبل از اینکه داخل آتش جهنم بشوند این‌ها را نگه دارید تا مورد سؤال واقع شوند و این توقفگاه غیر از صراط جای دیگری نمی‌تواند باشد.

بالآخره قرآن می‌گوید ما گروهی را متوقف می‌کنیم و سؤال می‌کنیم پس باید محلی به نام صراط که محل سؤال هست باشد.

تاکنون پنج آیه «ان منکم الا واردها»، «ان ربک لبالمرصاد»، «اهدنا الصراط المستقیم»، «فلا اقتحم العقبه» و «ان جهنم لموعدهم اجمعین»، پیرامون مسئله صراط مورد بررسی واقع شد، برخی آیات دلالت خوبی بر صراط داشتند و از بعضی آیات هم نتوانستیم صراط را استفاده کنیم. لکن این آیه شریفه مذکور به خوبی دلالت بر صراط می‌کند و شاید اظهر آیات باشد، گاهی اوقات در میان ادله می‌گویند این دلیل اقوای ادله شمرده می‌شود، در اینجا هم می‌گوییم، اظهر آیات در مسئله صراط در روز قیامت، آیه شریفه «وقفوهم إنهم مسئولون» است، چون مناقشاتی که در آیات پیشین بود اصلاً اینجا مطرح نمی‌شود.

رفع ید از مرجع ضمیر «هم» با قرینه آیات سؤال و ظهور قرآنی

نکته‌ای که باید مورد توجه قرار بگیرد این است که از یک سو مرجع ضمیر در «قفوهم» به حسب ظاهر به «الذین ظلموا» بازگشت می‌کند و از سوی دیگر به قرینه آیات سؤال و ظهور قرآنی «فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ»^[5] و اینکه «کل انسان مسئول يوم القيامة» و یا «الا کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة»^[6]، همه مسئول‌اند، به این قرینه به عنوان اصل موضوعی، بگوئیم واژه «مسئولون» در آیه شریفه «قفوهم انهم مسئولون»، ظهور در این دارد که همه مورد سؤال واقع می‌شوند. در نتیجه از نظر اصولی بین این دو ظاهر، تعارض بدوی محقق می‌شود، و از آنجا که ظهور «مسئولون» در اینکه همه مورد سؤال قرار می‌گیرند بهتر از ظهور ضمیر در رجوع به اقرب است (از حیث مرجع)، تصرف در ظهور «وقفوهم» نماییم و از ظهور ضمیر دست بر داریم.

بنابراین با قطع نظر از روایات، از آیه استفاده می‌شود که همه در صراط قرار می‌گیرند و مورد سؤال واقع می‌شوند زیرا وقتی آیات سؤال مطرح می‌شود؛ درست است خود آیات سؤال مختلف است، ولی نتیجه‌ای که گرفته می‌شود این است که همه مورد سؤال قرار می‌گیرند حتی از انبیاء در حیطه رسالت‌شان سؤال می‌شود و سؤال نیز فقط برای حساب و کتاب نیست، گاهی اوقات برای اغراض دیگر سؤال می‌شود.

نقل روایات وارده در ذیل آیه شریفه «وقفوهم انهم مسئولون»

با عنایت بر مطالب مذکور، چندی روایت در این زمینه مناسب است نقل کنیم؛

روایت اول؛ در عیون الاخبار^[7] در یک حدیث طویلی اینطور آمده؛ «وقد ذکر علیّ علیه السلام حاکباً عن النبی؛ و عزة ربي ان جميع أمتی لموقوفون يوم القيامة و مسئولون عن ولايته» «همه ائمه، تازه مسلمان‌ها را می‌گوید در مسلمان‌ها شیعه‌ها هم هست، از چه سؤال می‌کنند؟ از ولایت امیرالمؤمنین «و ذلک قوله تعالی وقفوهم إنهم مسئولون»، «و ذلک» یعنی اینکه از جمیع ائمه، در روایات دیگر چنین آمده؛ «جميع عباد» یا «أول ما یسئل عنه العبد حبنا اهل البيت».

نکته: مشکل این است که چون ما همیشه قرآن را مثل یک کتاب عربی معمولی معنا می‌کنیم می‌گوئیم آیه قبل این است پس ضمیر در اینجا مرجع‌اش به آن برمی‌گردد، در حالی که نمی‌شود این روش را در قرآن به کار برد.

از این رو در بحث مذکور، هر چند «واو»، «وقفوهم»، واو عطف است نه استینافیه، با این وجود الزامی ندارد ضمیر را حتماً به «الذین ظلموا» برگردانیم. اینکه پیامبر (صلی الله علیه و آله) در آیه شریفه می‌فرماید «إن جمیع أمتی» نمی‌خواهد تنقیح مناط کند و بفرماید؛ آیه فقط یک گروه را می‌گوید ولی ما گروه‌های دیگر را به آن اضافه می‌کنیم، بلکه پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌خواهد بفرماید؛ خود آیه شریفه همین معنا را دارد.

روایت دوم؛ شیخ طوسی در مصباح الانوار از عبدالله بن عباس از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقل می‌کند؛ «إذا کان يوم القيامة

أقف أنا و علي (عليه السلام) على الصراط» پیغمبر فرمود؛ وقتی روز قیامت می شود من و علی بر صراط می ایستم، «بید کل واحدٍ منّا سيفٌ فلا يمرُّ أحدٌ من خلق الله إلا سألناه عن ولاية علياً فمن كان معه شيءٌ منها نجا» اگر کسی ذره ای از ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را داشته باشد نجات پیدا می کند «وإلا نضرب عنقه و القيناه في النار ثم تلا هذه الآية وقفوهم إنهم مسئولون»^[81].

روایت سوم؛ «شیخ طوسی باسناده إلى انس بن مالك عن النبي (صلى الله عليه و آله) قال إذا كان يوم القيامة و نصب الصراط على جهنم لم يجز عليه إلا من معه جوازٌ فيه ولاية علي بن ابيطالب عليه السلام و ذلك قوله تعالى وقفوهم إنهم مسئولون»^[91].

نکته حائز اهمیت در روایات مذکور این است که تعبیر به «و ذلك قوله» شده؛ یعنی از همه در مورد ولایت امیرالمؤمنین سؤال می شود، چه شیعه خالص، متدین و عادل و چه آن کسی که ظالم است یا انحراف از اصل اسلام و یا از ولایت دارد. بدین سان آیا کسی احتمال می دهد که «و ذلك» فقط اشاره به «مسئولون» دارد ولی به «قفوهم» اشاره ندارد؟ خیلی بعید است که احتمال داده شود «و ذلك» یعنی از حیث سؤال، از حیث اینکه از چه چیزی سؤال می شود، فرموده؛ «مسئولون» در آیه شریفه مراد ولایت امیرالمؤمنین است، در حالی که در روایات هر دو جهت «مسئولون و قفوهم» مد نظر است؛ «يوم القيامة نصب الصراط على جهنم لم يجز عليه إلا معه جوازٌ إن ولاية علي بن ابيطالب» تمام اش «وقفوهم انهم مسئولون» است.

روایاتی نیز علامه طباطبایی نقل می کند،^[10] دلالت دارد بر اینکه از بدعت هایی که گذاشته اند، از اعمال زشت و گناهان نیز سؤال می شود و در بعضی از روایات دارد که از توحید، در بعضی روایات دارد از جوانی، تندرستی، عمر، مال، یعنی حتی یک انسان صالح را می پرسند عمرت را در چه گذرانده ای، مال ات را در چه مصرف کرده ای؟ علامه می فرمایند؛ «أن المسئول عنه هو كل حق أعرضوا عنه في الدنيا من اعتقاد حق أو عمل صالح استكبارا على الحق تظاهرا بالتناصر»^[11] همه این موارد، عنوان مصداق را دارد، وقتی که عنوان مصداق را داشت از هر چیزی که حق است روز قیامت سؤال می شود.

روایت چهارم؛ مرحوم صدوق از زراره نقل می کند از امام صادق (علیه السلام)؛ «فَقَالَ مَا تَقُولُ فِي الْقَضَاءِ وَ الْقَدَرِ قَالَ أَقُولُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا جَمَعَ الْعِبَادَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ سَأَلَهُمْ عَمَّا عَاهَدَ إِلَيْهِمْ وَ لَمْ يَسْأَلَهُمْ عَمَّا قَضَى عَلَيْهِمْ»^[12] این روایت برای بحث سؤال مفید است، هر چند ربطی به بحث صراط ندارد، ولی مسلم مربوط به این است که در صراط، این سؤال می شود، و به عنوان یک ضابطه کلی که در قیامت از چه چیزی سؤال می شود؛ «عَمَّا عَاهَدَ إِلَيْهِمْ لَا عَمَّا قَضَى عَلَيْهِمْ».

سپس می فرماید «وَ الْكَلَامُ فِي الْقَدَرِ مِنْهُي عَنْهُ» از بحث و گفتگو در «قدر» نهی شده، گر چه بین خود «قضا و قدر» نیز فرق است اما اینجا یکی گرفته شده؛ یعنی آنچه که خداوند تبارک و تعالی به عنوان یک مقدر انسان قرار می دهد. «كَمَا قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع لِرَجُلٍ قَدْ سَأَلَهُ عَنِ الْقَدَرِ» کسی از امیرالمؤمنین راجع به قضا و قدر الهی صحبت کرد فرمود «فَقَالَ بَحْرٌ عَمِيقٌ فَلَا تَلْجُهُ ثُمَّ سَأَلَهُ ثَانِيَةً» یک دریای خیلی عمیقی است که تو نمی خواهی وارد آن شوی، دوباره سائل رها نکرد که قضا و قدر چیست؟ امام (علیه السلام) فرمود؛ «فَقَالَ طَرِيقٌ مُظْلِمٌ فَلَا تَسْأَلُهُ» یک راه تاریکی است که تو نمی خواهی آن را سلوک کنی، دوباره پافشاری کرد «ثُمَّ سَأَلَهُ ثَالِثَةً فَقَالَ سِرُّ اللَّهِ فَلَا تَتَكَلَّفُهُ» خودت را به زحمت نینداز، این از موارد سر خداست و تو به حقیقت آن آشنا نمی شوی.

مرحوم مجلسی در ذیل روایت مذکور فرموده است؛ «هذا الخبر يدلّ على أن القضا و القدر إنما يكون في غير الامور التكليفية» قضا و قدر در غیر تکلیفیات است؛ «كالمصائب و الامراض و امثالهما»^[13] یک کسی مقدرش این است که بچه اش، یا همسر جوانش و یا مالش از او گرفته می شود. این بحث را ان شاء الله اگر توفیق شد در بحث سؤال که چه فرقی بین کلام امام علیه السلام که می فرماید؛ «يسئل عَمَّا عَاهَدَ إِلَيْهِمْ وَ لَا يسئل عَمَّا قَضَى عَلَيْهِمْ» وجود دارد، مطرح خواهیم کرد.

پس روایاتی که در ذیل آیه شریفه مطرح شده، به خوبی دلالت دارد بر اینکه همه در صراط متوقف می‌شوند، همه مسئولند. البته پیش از این هم از آیات دیگر نظیر «وان منکم الا واردها» استفاده کرده‌ایم، همه وارد صراط می‌شود و همه را در آنجا متوقف می‌کنند. در مجموع نباید ضمیر در آیه شریفه «قفوهم» را فقط به ظالمین برگردانیم هر چند اگر به ظالمین هم برگردد باز مدعای ما اثبات می‌شود زیرا غرض این است که می‌خواهیم بگوییم در قیامت جایی بنام صراط وجود دارد، ظالمین را در آنجا متوقف می‌کنند و مورد سؤال واقع می‌شوند. منتهی با وجود قرائنی که از خود آیه شریفه و از روایات وارده به دست آورده‌ایم و از راه قاعده استخدام، بگوییم ضمیر در «قفوهم» به همه برمی‌گردد و همه در روز قیامت مسئول‌اند و توقفگاه در صراط، برای همگان است نه فقط ظالمین.

به نظر من آیه شریفه «قفوهم انهم مسئولون» اظهر آیات در مورد صراط است و آیه پیشین آن نیز که می‌فرماید؛ «فاهدوهم إلى صراط الجحیم» اشاره به صراط دارد نه به صراط معنای لغوی که راه جحیم باشد تا گفته شود وقتی از قبر بیرون می‌آید راونه جهنم می‌شوند، جهنم کفار شروع می‌شود، بلکه به صراطی که جزء از جحیم است اشاره دارد و می‌فرماید؛ «فاهدوهم» این‌ها را به صراط سوق دهید یعنی به محل صراط، به محل بازجویی هدایت کنید تا از آن‌ها سؤال شود، پس هر دو آیه به ضمیمه هم، بر اصل صراط دلالت می‌کنند.

در ضمن حتمال این هم وجود دارد که واو عاطفه نباشد، و استینافیه باشد، در نتیجه اگر «واو» در «و قفوهم» را استینافیه بگیریم با این روایات وارده در ذیل آیه شریفه و مدعای ما که ضمیر «هم» به همه بر می‌گردد و همه مورد سؤال واقع می‌شوند، هم‌سو خواهد بود.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين

[1] □ خدا رحمت کند مرحوم آیت الله شبزنده‌دار، شاید در سال 60 بود که موفق شدیم تفسیر سوره صافات را از محضر ایشان استفاده کنیم.

[2] □ «و ما كانوا یَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَاهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ» إنما عبر عن ذلك بالهداية من حيث كان بدلا من الهداية إلى الجنة كقوله فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ من حيث أن هذه البشارة وقعت لهم بدلا من البشارة بالنعيم» مجمع البيان فی تفسیر القرآن ج 8 688.

[3] □ مراجعه به سایت.

[4] □ مجمع البيان فی تفسیر القرآن ج 8 688.

[5] □ الاعراف 6.

[6] □ وفيه: أخرج البخاري و مسلم و الترمذي و ابن مردويه عن ابن عمر قال*: قال النبي ص: كلکم راع و کلکم مسئول عن رعيته۔ فالإمام يسأل عن الناس، و الرجل يسأل عن أهله، و المرأة تسأل عن بيت زوجها، و العبد يسأل عن مال سيده.الميزان فی تفسیر القرآن ج 8 15 بحث روائي ص : 14.

[7] □ في عيون الاخبار في باب ما جاء عن الرضا عليه السلام من الاخبار المتفرقة حديث طويل و في آخره ثم قال عليه السلام۔ و قد ذكر عليا عليه السلام۔ حاكيا عن النبي صلى الله عليه و آله: و عزة ربي ان جميع أمتي لموقوفون يوم القيامة و مسئولون عن ولايته، و ذلك قول الله عز و جل «وَقَفَّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ».تفسير نور الثقلين ج 4 401 [سورة الصافات(37): الآيات 1 الى 57] ص : 399.

[8] □ الشيخ في (مصباح الأنوار): بإسناده عن عبد الله بن عباس، قال: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله): «إذا كان يوم القيامة أفأ أنا و علي على الصراط، بيد كل واحد منا سيف، فلا يمر أحد من خلق الله إلا سألناه عن ولاية علي بن أبي طالب،

فمن كان معه شيء منها نجا، وإلا ضربنا عنقه وألقيناه في النار». ثم تلا قوله تعالى: وَفُؤُهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ* مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ* بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ. البرهان في تفسير القرآن ج 4 595.

[9] الشيخ في (أماليه): عن أبي محمد الفحام، قال: حدثنا أبو الفضل محمد بن هاشم الهاشمي صاحب الصلاة بسر من رأى، قال: حدثنا أبي هاشم بن القاسم، قال: حدثنا محمد بن زكريا بن عبد الله الجوهري البصري، عن عبد الله بن المثنى، عن ثمامة بن عبد الله بن أنس بن مالك، عن أبيه، عن جده، عن النبي (صلى الله عليه وآله)، قال: «إذا كان يوم القيامة، ونصب الصراط على جهنم، لم يجز عليه إلا من معه جواز فيه ولاية علي بن أبي طالب، وذلك قوله تعالى: وَفُؤُهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ، يعني عن ولاية علي بن أبي طالب». البرهان في تفسير القرآن ج 4 594

[10] الميزان في تفسير القرآن ج 17، 142.

[11] همان 132.

[12] «(العقائد) اعتقادنا في القضاء والقدر قول الصادق ع لزراعة حين سأله فقال ما تقول في القضاء والقدر قال أقول إن الله عز وجل إذا جمع العباد يوم القيامة سألهم عما عهد إليهم ولم يسألهم عما قضى عليهم»¹ والكلام في القدر منهي عنه كما قال أمير المؤمنين ع لرجل قد سأله عن القدر فقال بحر عميق فلا تلجه ثم سأله ثانية فقال طريق مظلم فلا تسلكه ثم سأله ثالثة فقال سر الله فلا تتكلفه» بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار ج 5 97.

[13] «بيان هذا الخبر يدل على أن القضاء والقدر إنما يكون في غير الأمور التكليفية كالمصائب والأمراض وأمثالها فلعل المراد بهما القضاء والقدر الحتمي» بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار ج 5 112